

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه^۱

دلشاد طهوری

تنظیم: فاطمه عزتی^۲

چکیده

جشن انگور، آیینی باستانی است و در اصطلاح محلی «شانادر بایرامی» خوانده می‌شود. در این جشن، زنان و مردان کشاورز که برای تولید این محصول زحمات زیادی متقبل شده‌اند، هنگام برداشت آن، آیین سپاس از خداوند را برگزار می‌کنند. مبنای برگزاری جشن همچون بسیاری از آیین‌های محلی ایران، شکرگزاری از خداوند برای نعمت‌هایی است که قوت مردمان را تأمین می‌کند. تنوع فرآورده‌های مربوط به انگور و وفور آن در ارومیه تأثیر به‌سزایی در اقتصاد کشاورزی منطقه دارد. جشن انگور به همراه آیین سنتی دوشاب‌پزان به عنوان دو میراث معنوی منطقه در فهرست ملی ایران ثبت شده است. در این تک‌نگاری به موضوعاتی همچون تاریخچه جشن انگور، انواع انگور، کشت و جمع‌آوری آن و نیز نحوه برگزاری آیین شکرگزاری این محصول در شهر ارومیه پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مردم ارومیه، آیین‌های کشاورزی، آیین شکرگزاری، جشن انگور، شانادر

بایرامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله بر اساس تک‌نگاری «جشن انگور رضاییه» (دلشاد طهوری) که در گروه پژوهش ایران‌زمین در سال ۱۳۵۲ انجام شده، تنظیم گردیده است.

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما. رایانامه: ezzatyf@gmail.com

مقدمه

جشن انگور در ارومیه قدمتی دیرینه دارد. این جشن که در زمهره آیین‌های شکرگزاری است، از سوی مردمان پرتلاشی برگزار می‌شود که به واسطه آنچه خداوند به آنها ارزانی کرده است، سر تعظیم به آستانش فرو می‌آورند. این سپاسگزاری مصداق آموزه‌ای الهی است که می‌گوید شکر نعمت، نعمت را افزون می‌سازد.

منطقه ارومیه، سرزمینی چندفرهنگی است و نمونه‌ای از زیست با مدارای ایرانیان را به رخ می‌کشد؛ زیست همراه با احترام و صلح میان مسلمانان و مسیحیان، اهل تشیع و سنت و سایر مردمان نیکوخصال آن خطه. از این رو، تنوع آیین‌ها و سنن در این منطقه به شکل شگفت‌انگیزی مشاهده می‌شود. جشن انگور یکی از آیین‌هایی است که در این منطقه علاوه بر مسلمانان، از سوی مسیحیان آشوری نیز اجرا می‌گردد. در این تک‌نگاری به این موضوع پرداخته شده است.

در سالیان دور، در پانزدهم ماه داباخ^۱ (۱۵ اوت^۲) در ایران جشنی برگزار می‌شد به نام جشن انگور که تقریباً به روال مشخصی هر سال در نقاط مختلف ایران مانند ارومیه اجرا می‌شود. البته از آنجا که هر سنتی در طول زمان دستخوش تغییرات محیطی و اجتماعی قرار می‌گیرد، تاریخ برگزاری این جشن نیز به تدریج تغییر کرد و هم‌اکنون (یعنی در سال ۱۳۵۲) این جشن با اختلاف یک روز، در روستاها روز ۱۵ اوت و در شهرها روز ۱۶ اوت برگزار می‌گردد. از آنجا که جشن ابتدا مربوط به آشوری‌ها بوده است، قبل از تشریح جشن انگور ضروری است تاریخچه‌ای از ارومیه و قوم آشوری بیان شود.

ارومیه و آشوری‌ها

در کتب مورخان نامی، ارومیه را با نام‌های مختلف خوانده یا نوشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ارومیه، ارمن، ارمنیه صفوی، ارومی، ارم رومیه، ارموی، ارمجی یا ارمیاجی.

1. dâbâx

۲. ماه اوت یا داباخ یکی از ماه‌های آشوری است که در حال حاضر برابر با مرداد ماه شمسی است.

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه ❖ ۲۰۹

بطلمیوس این شهر را از اقلیم چهارگانه دانسته و آن را از اقلیم چهارم و به نام ارمن و ارمیامه صفوی خوانده است. تاریخ آئینه اسکندری کلمه ارومی را لغت رومی می‌داند و می‌نویسد: هرآکلیوس امپراطور روم هنگام جنگ با خسرو پرویز تا رومی تاخته و پس از غارت جواهرات آتشکده آذرگشسب آنجا را آتش زده است. بعضی‌ها می‌گویند، لفظ ارومیه در اصل ارومیه و ارومیا بوده که از دو کلمه اور(شهر) و میاه (آب) تشکیل و معنای آن (شهر آب) است.

آشوری‌ها از نژاد سامی هستند که نژاد اولیه آنها در بین‌النهرین ساکن بوده است. اولین کسی که باعث وحدت نژادی این قوم شد و آنها را گرد هم جمع کرد و شالوده نوعی حکومت سیاسی بر مبنای حکومت پدرشاهی را استوار کرد، شخصی به نام اوش پیا بود که گویا در چادری با حضور سران قبایل، خود را پادشاه خواند و از آن پس این قوم به استقلال سیاسی رسید. چون تاریخ تاجگذاری این پادشاه در شش‌هزار سال پیش بوده است؛ این تاریخ مبدأ تاریخ آشوری‌ها گردید که هنوز هم بازماندگان این قوم به آن مؤمن هستند و کاملاً رعایت می‌کنند.

آشوری‌های کنونی بازماندگان آشوری‌های قدیم با همین تاریخ ذکر شده هستند. با اینکه امپراطوری عظیم آشور در سال ۶۱۲ ق.م منقرض شده بود، ولی همچنان در قسمت شمال بین‌النهرین حکومتی خودمختار در زمان فرمانروایی رومیان وجود داشته که به نام پادشاهی عشرين نامیده می‌شده است و علت انتساب این اسم بدان جهت بوده که ده پادشاه به طور متوالی در عهد این سلسله حکومت کرده بودند. این پادشاهان هم به نام آبگار معروف بودند که از آبگار اول تا آبگار دهم نامیده می‌شدند.

زمانی که حضرت عیسی (علیه‌السلام) در فلسطین و سوریه ظهور کرد، آوازه محبوبیت حضرت از مرزهای فلسطین و سوریه گذشت و به گوش مردم بین‌النهرین رسید. در بین‌النهرین آخرین پادشاه سلسله عشرين به نام آبگار دهم حکومت می‌کرد. وی که به بیماری پوستی صعب‌العلاجی مبتلا بود، به امید شفا، نامه‌ای نوشت و آن را همراه چند نفر به سوی سرزمین فلسطین فرستاد و حضرت را برای انجام رسالت به سرزمین بین‌النهرین دعوت کرده اما چون فرستادگان خدمت او می‌رسند، حضرت مسیح در پاسخ می‌نویسد: رسالت من تمام شده است و به زودی باید نزد پروردگارم

۲۱۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بروم، اما به خاطر قبول این دعوت یکی از حواریون خاص خود به نام *مارادی* را نزدت می‌فرستم تا از طرف من تو را شفا دهد و به تبلیغ مردم بپردازد.

مارادی پس از مدتی به شهر زهاوی یا اورهای که مرکز حکومت آبگار دهم بود، می‌آید و پس از نجات حاکم این منطقه، به موعظه مردم می‌پردازد و به تدریج قوم آشور به دین مسیح گرایش پیدا می‌کنند و مسیحی می‌شوند. در واقع می‌توان گفت آشوری‌ها نخستین ملتی هستند که دین مسیح را قبول کردند و جامعه مسیحیت کنونی را تشکیل دادند. در حال حاضر بازماندگان قوم آشور در شهر ارومیه و هندوستان زندگی می‌کنند.

ارومیه از گذشته‌های دور زمین‌های حاصلخیزی داشته است و از همین رو در این شهر، تاکستان‌های وسیعی به کشت و پرورش انگور اختصاص داشته است. شاید به همین دلیل است که برگزاری جشن انگور تا عصر حاضر دوام یافته و هم‌اکنون جشن انگور به جشنی ملی و فرامذهبی تبدیل شده است.

انگور در ارومیه

انگور ارومیه بسیار معروف بوده و باغات زیبا و باصفا و پربرکت انگور این شهرستان در تمام کشور کم‌نظیر است. یکی از اشتغالات عمده اهالی و کشاورزان ارومیه پرورش نهال و ایجاد باغات انگور است؛ به طوری که محصول کشمش و سبزه^۱ این شهرستان به تنهایی در حدود یک سوم محصول تمام کشور است.

مساحت تاکستان‌های ارومیه در حدود دوازده هزار هکتار است و محصول سبزه و کشمش آن را تقریباً بیست و سه هزار تن در سال برآورد می‌کنند. بیشتر تاکستان‌های شهرستان ارومیه در چهار منطقه زیر متمرکزند:

۱. منطقه محال بکشلو که بهترین باغات انگور در این بخش وجود دارد و باغات انگور در این بخش در حدود پنج تا شش هزار هکتار است.
۲. منطقه محال باراندوز که در حدود سه تا چهار هزار هکتار است.
۳. منطقه نازلو که در حدود دوهزار تا دوهزاروپانصد هکتار باغ انگور دارد.

۱. نوعی کشمش

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه ❖ ۲۱۱

۴. اطراف شهر که در حدود یک هزار هکتار است.

کشاورزان و باغداران ارومیه از قدیم با طرز پرورش درخت انگور آشنایی کامل داشته‌اند و از این‌رو متوسط محصول یک هکتار باغ در حدود ده تن انگور یا دو و نیم تن سبزه و کشمش است. در واقع به طور متوسط از هر چهار کیلو انگور یک کیلو کشمش به دست می‌آید؛ این مقدار با توجه به محصول سایر نقاط کشور قابل توجه است.

از باغات ارومیه متجاوز از پنجاه تا شصت نوع انگور به دست می‌آید. البته این انگورها رنگ‌های مختلفی دارند و هر رنگ آن نیز دارای اسم مجزایی است. از این‌رو انواع انگور را باید کمتر از این تعداد دانست. در هر حال برخی از مهم‌ترین انواع انگورهای کشت شده در باغات و تاکستان‌های ارومیه عبارت‌اند از:

انگور کشمش، خلیلی، حسینی، ریش‌بابا، فخری، صاحبی، تبرزه^۱، دسترچین، دیزماری^۲، عسگری، مایه‌موه، پیشیک‌گوزی^۳، کنده^۴، شیرازی، کلکی^۵، رازقی، لحل، بیدانه، رَجین، گچی امجیبی، اسحاقی، ملکی، گلین بارماگی و غیره که اغلب به دو نوع و رنگ سفید و قرمز موجودند.

هر نوع انگور محل مصرف مخصوص خود را دارد:

انگور کشمش که به دو رنگ سفید و ریز و بدون هسته است، بهترین نوع انگورهای ارومیه به شمار می‌آید. قسمت عمده باغات ارومیه، با حدود ده هزار هکتار، فقط خاص کشت انگور کشمش است و این انگور به مصرف تهیه شیره و کشمش می‌رسد.

انگور خلیلی به دو رنگ سفید و قرمز زودتر از تمام انواع انگور به دست می‌آید و برای مصرف به بازار حمل می‌شود. انگورهای حسینی و صاحبی دارای دانه‌های درشت

-
1. tabarze
 2. dizmâri
 3. pişikguzi
 4. kandomeh
 5. kelki

و پرآب است و همچنین انگورهای تبرزه بسیار شیرین هستند. انگور ریش‌بابا و دیزماری نیز پس از رسیدن، برای فروش و مصرف مردم به بازار حمل می‌شود. از انگورهای قره‌شیره^۱، رازقی و پیشیک‌گوزی که پرآب می‌باشند برای تهیه شیره استفاده می‌کنند. انگورهای پوست‌کلفت مانند ریش‌بابا، لعل، بیدانه و غیره که می‌توان آنها را به مدت زیادی نگهداری کرد، به صورت آونگ برای مصرف زمستان ذخیره می‌شود.

آفات باغ انگور

بعضی اوقات به باغات انگور ارومیه از حیث آفات نباتی خسارات فراوانی می‌رسد. باغداران با اسلوب‌های قدیمی با بخشی از آفات مبارزه می‌کنند و مأموران کشاورزی نیز آنها را یاری می‌دهند و باغات را سم‌پاشی می‌کنند، ولی چون مبارزه عمومی و به‌موقع صورت نمی‌گیرد، بعضی سال‌ها مقداری از محصول باغات از بین می‌رود. آفات عمده این باغات و تاکستان‌ها عبارت‌اند از:

زنجیره موها، کرم سفید، ریشه‌مو، خوشه‌خوار، کرم حبه انگورخوار، جیرجیرک، مویی از انواع شپشک‌ها و غیره.

ایجاد باغات انگور

اهالی ارومیه از ازمنه قدیم با پرورش مو و انگور سر و کار دارند و در این مدت در این امر مهارت به‌سزایی کسب کرده‌اند. خاک ارومیه برای پرورش مو مناسب است و به همین دلیل باغات انگور این شهرستان و محصول سبزه و کشمش آنجا در تمام کشور شهرت دارد.

برای ایجاد باغات انگور و تکثیر مو از دو طریقه قلمه‌زدن یا خوابانیدن شاخه‌ها استفاده می‌شود؛ بدین طریق که ابتدا زمین را از لحاظ نوع خاک بررسی می‌کنند و پس از اطمینان از مناسب بودن زمین آن را خوب عمل می‌آورند. وقتی زمین کاملاً آماده شد، قلمه‌های مو را در فصل پاییز یا بهار در صفوف منظم و به فاصله معینی از همدیگر رو به سمت آفتاب می‌کارند و به تدریج که قلمه بزرگ شد، اطراف آن خاک

1. qareh šireh

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه ❖ ۲۱۳

می‌ریزند، به طوری که تا دو سال پشته‌ای از خاک تا ارتفاع حدود یک متر ایجاد می‌شود. و قلمه‌ها را طوری می‌کارند که آفتاب به آنها شدید نتابد (جهت شمال غربی و جنوب شرقی). بوته‌های جدید انگور معمولاً از سال سوم یا چهارم انگور می‌دهند.

سالی دو بار در فصول بهار و پاییز باغات را وجین می‌کنند و علف‌هرز آنها را درمی‌آورند. در فصل بهار معمولاً از پانزدهم اسفند تا اواخر اردیبهشت ماه عمل هرس کردن موها انجام می‌شود.

در هر قریه، افرادی متخصص هرس کردن هستند که در موعد مناسب، این کار را انجام می‌دهند. این عمل باید بسیار دقیق صورت گیرد؛ چرا که اشخاص ناشی ممکن است شاخه‌های باردار مو را هم ببرند یا اگر همه باغ هرس نشود، محصول آن بسیار کم و بد خواهد بود.

بیل‌زنی باغ انگور نیز سالی یک بار در فصل بهار پس از عمل هرس‌کاری انجام می‌شود. برای این کار یک عده کارگر ماهر که تعداد آنها در هر ردیف تا ده نفر می‌رسد، پهلوی هم می‌ایستند و با بیل‌های بزرگ و پهن خاک باغ را زیر و رو می‌کنند و علف‌های هرز را از ریشه درمی‌آورند. منظره بیل‌کاری باغات خیلی تماشایی است؛ در هر لحظه ده بیل با هم به خاک فرو می‌رود و خاک را زیر و رو می‌کند. کارگران در موقع بیل‌زنی اشعار محلی را با صدای بلند می‌خوانند.

در فصل بهار از سایر شهرهای مجاور تعدادی کارگر برای بیل زدن باغات ارومیه می‌آیند. کارگران اغلب روزمزد هستند و از همین رو باغداران بزرگ همیشه تعدادی کارگر بیل‌زن در اختیار دارند و در فصل زمستان به آنها مساعده می‌دهند که فصل بهار برای بیل‌زنی جایی نروند و در باغات آنها کار کنند.

هنوز استفاده از کود شیمیایی در باغات انگور تعمیم نیافته است (سال ۱۳۵۲) و باغداران مثل سابق از کود حیوانی برای تقویت موها استفاده می‌کنند. اما اگر مأمورین کشاوری به تدریج در این زمینه اقدامات اساسی انجام دهند و باغداران را با کود شیمیایی آشنا کنند، نتیجه کار آنها بهتر خواهد شد و محصول خوب‌تر و بیشتری به دست خواهد آمد.

جمع‌آوری محصول

باغداری یکی از اشتغالات اهالی ارومیه است و تقریباً نود درصد ساکنان شهر و اغلب ساکنان دهات این منطقه، یک قطعه باغ انگور دارند. واحد اندازه‌گیری سطح باغ در این شهر «طناب» است و ۴۰۹۶ متر مربع را یک طناب می‌گویند. کمتر کسی در شهر پیدا می‌شود که حداقل نیم یا یک طناب باغ انگور نداشته باشد. باغداران بزرگ تا ۴۰ و ۵۰ طناب نیز باغ دارند، ولی به طور متوسط نگهداری و رسیدن به یک قطعه باغ انگور بیشتر از ده طناب بسیار مشکل و پرخارج است. از هر قطعه باغ انگور، یک نفر باغبان مقیم، حراست و مواظبت می‌کند. این باغبان یا در محصول باغ شریک باغدار است؛ مثلاً ده یک محصول سهم وی است یا از طرف باغدار و مالک باغ اجرت سالیانه می‌گیرد و در تمام مدت سال از باغ مواظبت می‌کند. در ارومیه رسم بر این است که فصل انگور صاحب باغ با عائله و خانواده خود به باغ انتقال می‌یابند و جمع‌آوری محصول را زیر نظر می‌گیرند. اشخاصی که قطعات متعدد باغ دارند و فاصله قطعات زیاد است، معمولاً یکی از قطعه‌ها را برای خود نگه می‌دارند و محصول سالیانه سایر قطعات را به افرادی که باغ ندارند، اجاره می‌دهند و معمولاً اجاره باغ با کالا و جنس پرداخت می‌شود و نقدی نیست.

دور باغات انگور بویژه در نزدیکی‌های شهر، چینه^۱ می‌کشند. در داخل باغ نیز معمولاً انبار مناسبی برای نگهداری محصول می‌سازند و بالای آن یک یا دو اتاق کوچک بنا می‌کنند که در زمستان و بهار باغبان از این ساختمان استفاده می‌کند، ولی در فصل تابستان و موقع جمع‌آوری محصول، عائله صاحب باغ در آنجا سکونت می‌کنند. اواسط تابستان که انگور می‌رسد، باغداران با اتومبیل و گاری‌های چهارچرخه و دوچرخه عائله خویش و اثاثیه مختصری را به باغات منتقل می‌کنند. خانواده آنها مدت دو - سه ماهی که محصول جمع‌آوری می‌شود، در باغ می‌مانند، ولی مردها که در شهرها کار می‌کنند روزها به شهر می‌روند و شب‌ها به باغ مراجعه می‌کنند تا موقعی که

۱. دیواری گلی

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه ❖ ۲۱۵

فصل چیدن انگور می‌رسد و در آن موقع تمام خانواده مشغول جمع‌آوری محصول می‌کردند.

خشک کردن انگور

محل مخصوصی که در آنجا انگور را خشک می‌کنند، در اصطلاح محلی ورزن^۱ گفته می‌شود و آن عبارت از محوطه‌ای صاف و باز است که باید اطراف آن درخت کاشته نشده باشد و آفتابگیر باشد. وسعت این محل بستگی به وسعت باغ دارد و ممکن است از ده - بیست مترمربع تا چندین صد مترمربع برسد. این محل را برای تابش آفتاب رو به جنوب می‌سازند. ضلع جنوبی آن هم سطح باغ است و هرچه به سمت شمال برویم، ارتفاع آن بیشتر می‌شود و تا آخر این باغ، ارتفاع آن به دو - سه متر نیز می‌رسد. بدین ترتیب سطحی با شیب بسیار تند به دست می‌آید که به همه نقاط آن آفتاب می‌تابد. سطح خارجی ورزن را در بهار کاهگل مالی می‌کنند تا انگور با خاک آلوده نشود و به تازگی در بعضی از باغات سطح ورزن را سفت می‌کشند که کاملاً صاف و تمیز باشد.

انگورچینی و تهیه کشمش

وقتی خوشه‌های انگور به خوبی رسید و دانه‌های آن پر آب شد، یعنی معمولاً اواخر تابستان، زمان چیدن محصول است. در این موقع تمام دخترها و پسرها و مردان و زنان بزرگ با لباس‌های الوان هر کدام سبیدی به دست می‌گیرند و به انگور چیدن مشغول می‌شوند.

خوشه انگور را از تاک با مقراض^۲ جدا می‌کنند و در سبیدی می‌گذارند. وقتی سبیدی پر شد، آن را به دوش می‌گیرند و به محل خشکانیدن انگور یا ورزن می‌برند. در آنجا انگورها را روی هم می‌ریزند و انبار می‌کنند. یک نفر با سلیقه مخصوص خوشه‌های انگور را از بالای ورزن با نظم و ترتیب پهلوی هم می‌چیند تا ورزن پر شود. اگر سطح

1. varzan

۲. قیچی مخصوص باغبانی است که به وسیله آن خوشه را از تاک جدا می‌کنند.

ورزن با بزرگی باغ مناسب نباشد و پس از پر شدن ورزن، مقداری انگور در باغ بماند، ممکن است تا بیست روز دیگر که انگورها کاملاً خشک می‌شود و محصول کشمش به دست آمده جمع می‌گردد تا سطح ورزن برای دومین بار در یک سال برای چیدن انگور آماده گردد، باران پاییزی انگورهای باغ را خراب کند. از همین رو باغداران سعی می‌کنند هر سال یک مرتبه بیشتر ورزن را مورد استفاده قرار ندهند. اگر هم سطح آن برای خشکانیدن تمام انگور باغ در یک مرتبه کافی نباشد، صبر می‌کنند تا پس از بیست روز انگور، خشک شده و به کشمش تبدیل شود. در این مدت یکی دو مرتبه آنها را در ورزن زیر و رو می‌کنند که آفتاب به تمام حبه‌های انگور برسد و تمام آنها یکدست خشک گردد. پس از خشک شدن انگور آنها را جمع‌آوری می‌کنند و در محل صافی دانه‌های کشمش را از خوشه جدا می‌سازند و آنها را به انبار حمل می‌کنند.

جشن انگور در ارومیه

جشن انگور در ارومیه هر سال در اواخر شهریور ماه اجرا می‌گردد. قدمت این جشن به پیش از میلاد می‌رسد و اجرای باشکوه آن، همراه با ساز و آواز است. در ارومیه به این مراسم باشکوه و زیبا، شاندر یا شانادر^۱ گفته می‌شود. شاندر برگرفته از دو کلمه «شان» (به معنی انگور) و «در» (به معنی چیدن) است.

جشن انگور در بعضی از روستاها، همزمان با رسیدن انگور و در بعضی دیگر هنگام چیدن و جمع‌آوری انگور برگزار می‌شود. مثلاً زمان جشن انگور در قریه دیگاله چند روز قبل از قریه زینالو است. جشن شاندر بیشتر در روستاهای گردآباد، دیگاله، گلپاشینی^۲ و ریسمان‌آباد است.

جشن شاندر یا جشن انگور در دل تاکستان‌های سرسبز و پربرکت ارومیه برپا می‌شود. این عید از گرامی‌ترین جشن‌های این سرزمین به شمار می‌رود. مردم با برپاساختن این جشن از سرزمین سبزشان و از سرزمین برکات و آب‌های روشنشان

1. šānder/ šānāder

2. golpāšini

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه ❖ ۲۱۷

سپاسگزاری می‌کنند. ارومیه مراسمی زیباتر و پرهیجان‌تر از عید انگور ندارد. اگر قرار باشد نامی دیگر برای ارومیه برگزیده شود، بدون شک شهر انگور، انگورستان یا شهر تاکستان‌های سبز، گزینه‌ای مناسب است.

در قدیم مردم ارومیه با توجه به پایبند بودن به رسم و رسوم و آداب کهن و دیرین نیاکان خود تا چندین روز قبل از برگزاری مراسم عید انگور از خوردن انگور اجتناب می‌کردند و با این کار به نعمات الهی احترام می‌گذاشتند و آداب و رسوم گذشتگان خود را حفظ می‌کردند. زنان و دختران نیز اغلب از پانزده روز پیش از برگزاری جشن روزه می‌گیرند. در روز برگزاری جشن، مردم به صورت دسته‌جمعی با گام‌های آهسته به سمت محل برگزاری جشن حرکت می‌کنند و سپس با خواندن سرودهای دسته‌جمعی و پاشیدن عطر و گلاب به جشن و پایکوبی می‌پردازند. مردم در این روز از خداوند می‌خواهند که تاکستان‌های آنان از بلایای آسمانی چون تگرگ، طوفان و سیل محفوظ بماند.

مسیحیان این دیار معتقدند، نباید به انگور دست زد و خوردن انگور باید همراه با قربانی کردن گوسفند و نذر و نیاز باشد. در مجموع باید گفت، مهم‌ترین اعمالی که مردم ارومیه در جشن انگور به آن می‌پردازند، عبارت‌اند از: روزه گرفتن، شکرگزاری و ستایش خدا و مراسم تبرک انگور.

سرودهای مخصوص جشن انگور

در روستاها افراد مشخص و معینی این سرودها را اجرا می‌کنند. این افراد گاهی اوقات فاصله زیادی را می‌پیمایند تا در این روز خود را برای خواندن سرودهای جشن انگور به محل برگزاری جشن برسانند. اما در شهرها ترتیب و قاعده مشخصی ندارد و هر کس که بتواند و به اصطلاح صدایی داشته باشد، به خواندن سرودها می‌پردازد. این سرودها مذهبی نیستند و بیشتر جنبه شادی و نشاط دارد. البته در میان ارمنه، برخی سرودهای مذهبی هم هستند که بیشتر روحانیون آشوری آن را اجرا می‌کنند.

بازی‌های جشن انگور

جوانان در این روز بازی‌های مختلفی انجام می‌دهند که یکی از آنها «بازی موش و گربه» است. به این ترتیب که آنان دست در دست هم به صورت حلقه‌ای به دور میدان

۲۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به حرکت در می‌آیند. و این آغاز بازی موش و گربه است. سپس بزرگ‌ترها هر کدام به نوبت از زیر دست‌های حلقه شده می‌گذرند و در تمام این مدت نوازندگان محلی آهنگ‌های دلنشین می‌نوازند و تماشاگران در این بازی مرتباً حبه‌ای انگور را در دهان نوازندگان و بازیکنان می‌گذارند. پس از بازی موش و گربه، چند بازی محلی دیگر هم انجام می‌دهند که از آن جمله است: «قایم موشک»، «جهنم بهشت»، «بازی سکه»، «جفتک چارکش»، «گرگم به هوا»، «کشمشک» و «فرار کرد».

بازی فرار کرد به این ترتیب است که در گوشه‌ای از میدان، جمعی از بازیکنان جمع می‌شوند و تمام شرکت‌کنندگان دست‌های یکدیگر را می‌گیرند و دایره بزرگی را تشکیل می‌دهند. بعد یکی از بازیکنان از دایره خارج می‌شود و به طرف بازیکن دیگری که در نظر گرفته است، می‌دود و او با نگاه بازیکن اول متوجه می‌شود که مورد هدف قرار گرفته است و باید هر چه زودتر فرار کند. فرار به صورت مارپیچ انجام می‌شود و هر کسی که بتواند یک دور کامل دایره، از لابه‌لای همه بگذرد و به جای اولیه خود برسد، برنده است، ولی اگر دست بازیکن اول به شانه او خورده باشد، بازنده می‌شود و جریمه‌اش این است که یک دور کامل دایره به دنبال بازیکن اول بدود.

قربانی کردن در جشن انگور

جشن انگور و قربانی کردن گوسفند مخصوص پیروان کلیسای شرق است و این سنت در غرب وجود ندارد. در این روز و در این جشن باشکوه مراسم قربانی کردن انجام می‌گیرد؛ به این ترتیب که پانزده روز قبل از جشن انگور زنان روزه می‌گیرند و روز شانزدهم با خوردن حبه‌ای انگور روزه را می‌شکنند. آنان اغلب نذر می‌کنند تا به آرزویی که در دل دارند، برسند و در صورت رسیدن به آرزوی خود، گوسفندی را قربانی می‌کنند.

شایان ذکر است که این کار در کلیسا و توسط زنان صورت می‌گیرد. آنان ساطور به دست مشغول شقه کردن گوسفندهای قربانی هستند تا گوشت آن را بین شرکت‌کنندگان در جشن توزیع کنند.

جشن انگور؛ آیین شکرگزاری در میان اقوام ارومیه ❖ ۲۱۹

در یک کلیسای قدیمی که به گفته خود آشوری‌های ارومیه نزدیک به ۳۰۰ سال قبل بنا شده است، زنان به صورت دسته‌جمعی ناهار تدارک می‌بینند. عده‌ای سیخ‌های کباب را تمیز می‌کنند، جمعی بدون توجه به اینکه ممکن است لباس‌های تمیز و گران‌قیمتشان سیاه و کثیف شود، گونی ذغال را به سویی می‌کشند و چند نفری هم چاله‌های متعددی حفر می‌کنند تا هنگام پختن کباب از این چاله‌ها به عنوان اجاق استفاده کنند.

زنان و دخترانی که نذر دارند، شمع به دست داخل کلیسا می‌شوند تا نذر خود را ادا کنند. آنها به اتفاق، به عبادتگاه کلیسا می‌روند و با شمع روشن در دست، در برابر جایگاه مخصوص می‌ایستند و به آهستگی شروع به خواندن دعا می‌کنند.

معمولاً میدانی که در آنجا جشن برگزار می‌شود، با چراغ‌های رنگارنگ و کاغذهای خوشرنگ آذین‌بندی می‌شود و شرکت‌کنندگان در مراسم نیز با پوشیدن لباس‌های جالب و زیبا لطف خاصی به جشن می‌دهند. هزاران بادکنک بزرگ و کوچک در اطراف میدان از درخت‌ها آویزان می‌شود و نوارهای رنگی کاغذی جلوه خاصی به محل برگزاری جشن می‌بخشند.

در وسط میدان میز بسیار بزرگی قرار می‌دهند و بر روی آن بیش از سی نوع انگور که اغلب محصول تاکستان‌های ارومیه است چیده می‌شود؛ انگورهایی که پیش‌تر به نام آنها اشاره شد.

در این روز هیچ کس موجب رنجش خاطر کسی نمی‌شود و صدای ساز و دهل از همه جا به گوش می‌رسد. بعد از خارج شدن مردم از کلیسا هم، همه به طرف میدان وسیع چمن که شباهت زیادی به استادیوم ورزشی و زمین چمن فوتبال دارد، می‌روند و نوازندگان ساز و دهل در وسط میدان می‌ایستند و با حرارت تمام به نوازندگی می‌پردازند. آهنگ‌هایی که نوازندگان با دهل می‌نوازند، بیشتر در مایه‌های محلی است.

این شعر در میان اشعار خوانده شده، بیشتر شنیده می‌شود:

ای انگور، ای انگور، چه خوبی و چه شیرینی / چه شفایی و چه شادابی / حیف که یک دانه‌ات فروافتد ز دست من / شادابی و خندانی من از توست انگور جان.

این جشن تا غروب آفتاب ادامه دارد.

جمع بندی

شهر زیبای ارومیه در دهه پنجاه، در مجموع ۲۲ هزار هکتار باغ انگور داشته است که هزاران نفر در پرورش آنها می‌کوشیدند و یک سوم از کشمش صادراتی کشور را تأمین می‌کرد؛ چرا که ارومیه از گذشته‌های دور زمین‌های حاصلخیزی داشته است و تاکستان‌های وسیعی را به کشت و پرورش انگور اختصاص داده بودند. به همین دلیل باغداری یکی از اصلی‌ترین شغل‌های اهالی ارومیه است و تقریباً نود درصد ساکنان شهر و بیشتر ساکنان روستا هر کدام یک قطعه باغ انگور داشتند.

مردم ارومیه هر ساله در پایان فصل برداشت محصول به جشن و پایکوبی می‌پردازند و از خالق این همه نعمات شکرگزاری می‌کنند. این مراسم به جشن انگور شهرت دارد که تا عصر حاضر نیز دوام یافته و هم‌اکنون به یک جشن ملی تبدیل شده است؛ چرا که مسلمانان و مسیحیان طی یک جشنواره مردمی، به برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مراسم که قدمت تاریخی بسیاری دارد، همت می‌گمارند.